

روزنامه فرهنگ و هنر

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
گرافیک و صفحه آر: سعید غفوری

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی خراسان
توزیع: نشر گستر امروز



از طرفداران نظریه مرگ مؤلف هشتم

گفت و گوی
صبا با «فریما
طلوع»، نویسنده
رمان «افسانه
فیل»

خلق کنم که حس وحال واقعی خودم را در آن ریخته باشم و امیدوارم این حس وحال با حس وحال مخاطب درگیر بشود.

در روند نوشتن، از چه اصولی پیروی می کنید؟ آیا برنامه روزانه یا عادت خاصی در نویسندگی دارید؟

بله، برنامه روزانه دارم و معمولاً صبح‌های زود بهتر می نویسم، ولی خوب، روزهایی هم هستند که نمی توانم هیچ چیز بنویسم. این جور وقت‌ها می روم و یک اثر فارسی می خوانم؛ آثاری که با درونم ارتباط برقرار می کنند، مثل تذکره‌الاولیای عطار.

کدام نویسندگان یا آثار ادبی، الهام بخش شما در خلق این داستان بوده‌اند؟

به شکل آگاهانه واقعاً نمی دانم، ولی من حتماً تحت تأثیر آثار ادبی پیش از خودم هستم، بخصوص آثار و نویسندگانی که خواندنشان برایم تکان دهنده بوده، مثل داستان‌های بهرام صادقی که بسیار دوست‌شان دارم و خودم را تحت تأثیرشان می دانم و همین‌طور تذکره‌الاولیا یا قصه‌های تفسیر طبری.

چه توصیه یا پیشنهادی برای نویسندگان جوان یا علاقه‌مند به داستان‌های فانتزی دارید؟

پیشنهادم این است که از ادبیات کلاسیک و کهن ایران غافل نشویم. جای جای این ادبیات سرشار است از خیال‌پردازی‌های ناب‌ست که مثل و ماندندش را کم‌تر شنیده و خوانده‌ایم.

تجربه انتشار این کتاب و ارتباط با خوانندگان چگونه بود و چه تاثیری بر شما داشت؟

تا این لحظه که از بازخوردها و گفته‌ها شنیده‌ام، خوشحالم که می بینم «افسانه فیل»، ارتباط خوبی با خوانندگان برقرار کرده و این اتفاق، انرژی خیلی خوبی برای داستان نوشتن به من می دهد.

و در پایان بفرمایید آیا احتمال دارد ادامه‌ای برای «افسانه فیل» منتشر کنید یا پروژه‌های تازه‌ای در دست دارید؟

بله، پروژه تازه‌ای دارم که این روزها مشغول نوشتن آن هستم.

رمان «افسانه فیل»، نخستین اثر داستانی «فریما طلوع»، نویسنده، مترجم و فیلم‌ساز. اوایل آذرماه به چاپ رسید و در موسسه فرهنگی هفت اقلیم مراسم رونمایی آن برگزار شد. فریما طلوع متولد سال ۱۳۵۷، پیش از این کتاب‌های «رو در رو با اینگمار برگمان» (رافائل شارکل)، «سراشیب طولانی» (نیک هورنبی) و «آخر داستان» (لیدیا دیویس) را ترجمه و مستند «افسانه اولیس: یک سرگذشت ایرانی» را کارگردانی کرده است. در خلاصه داستان رمان «افسانه فیل»، که در ۱۲۷ صفحه توسط نشر نیلوفر منتشر شده، آمده: «یک موجود بزرگ‌جثه و عظیم، درست افتاده بود جلو ساختمان و راه را بند آورده بود». در این رمان معمایی و پیچیده با روایت‌هایی تو در تو، شخصیت‌ها، در عین سادگی و آشنابودن، پیچیده و هولناکند. راوی داستان، به شکلی منحصر به فرد روایت می کند؛ با زبانی که از تسلط نویسنده بر فارسی حکایت دارد و می‌کوشد به مخاطب تلنگری بزند تا نگاهی دوباره بیندازد به لحظات ظاهراً پیش‌پاافتاده و لحظاتی که پیش از این نادیده‌شان گرفته بود. نویسنده در کتاب خود، خواننده را او می‌دارد به جای ولع داشتن برای یافتن پاسخ، کمی تأمل بکند، بلکه بتواند نه جواب درست، که سوال درست را بیابد! به بهانه انتشار این رمان، با فریما طلوع گپ‌وگفتی داشتیم.

سپهلا انصاری

گفت‌وگو

آدم‌ها، اتفاقات یا لحظات، انگار بیرون می‌زنند و چیزی را به ما نشان می‌دهند و بیش‌تر از آن چه در سطح زندگی اتفاق می‌افتد، می‌گویند. این لحظات معمولاً بعدها یا همان موقع برای من دست‌مایه داستان یا شخصیتی می‌شوند که البته به محض پا گذاشتن به داستان دیگر ارتباطی به آن اتفاق و شخصیت واقعی ندارند.

برای خلق صحنه‌ها و اتفاقات داستان، چه چالش‌هایی داشته‌اید؟
اول از همه، زبان فارسی و جنس کلمات برایم بسیار مهم بود. تلاش کردم جنس کلمات، داستانی باشد. آقای تقوایی همیشه به ما گوشزد می‌کردند بعضی کلمات مال داستان نیستند و جای‌شان در داستان نیست و مثلاً مال مقاله‌اند، و البته که به جز زبان و جنس کلمات، من در رمان با تعداد زیادی کاراکتر مواجه بودم که داستان‌های‌شان به مرور برایم شکل می‌گرفت. مثلاً یک دفعه می‌دیدم یک آقای قهرمانی هست که گوشه‌ای ایستاده و می‌ترسد بگوید فیل، از صدا و قد بلند همایون‌خان می‌ترسد و حالا من باید بفهمم عمق این ترس از کجا آمده، داستانش چه بوده، آیا قبلاً کاری کرده، اصلاً در آن ساختمان و آن‌جا چه کار دارد و به همین شکل.

به عنوان خالق این رمان، فکر می‌کنید پیام یا درس اصلی داستان برای مخاطب چیست؟ می‌خواستید چه احساسی در خواننده ایجاد کنید؟
من از طرفداران نظریه مرگ مؤلف هشتم و بنابراین معتقدم شما به محض تولید یک اثر، یک هویت مستقل خلق کرده‌اید و ارتباط خواننده و مخاطب با اثر، بخشی از هویت اثر است. من تلاشم اینست چیزی

چه چیزی شما را به نوشتن رمان «افسانه فیل» ترغیب کرد؟ ایده اصلی داستان از کجا آمد؟

داستان‌ها معمولاً برای من با یک جمله شروع می‌شوند. این داستان هم با همان جمله ابتدایی رمان شروع شد: «یک موجود بزرگ‌جثه و عظیم، یک فیل، درست افتاده بود جلو ساختمان و راه را بند آورده بود». این جمله را گوشه‌ای یادداشت کردم و تا چند سال سراغش نرفتم. بعد از چند سال، داشتم یادداشت‌هایم را مرور می‌کردم که چشمم به این جمله خورد و همان موقع بقیه داستان برایم شکل گرفت و شروع کردم به نوشتنش.

شخصیت فیل چه ویژگی‌هایی دارد که او را از دیگر شخصیت‌های داستان‌های فانتزی متمایز می‌کند؟

واقعاً نمی‌دانم از بقیه متمایز هست یا نه، ولی چیزی که برای خودم چالش نوشتنش را لذت بخش می‌کرد، نگه داشتن آن در مرز خیال و واقعیت بود. اصولاً من از این نگاه خوشم می‌آید؛ از این که نتوانیم به طور قطع بگوییم چیزی خیالی است یا واقعی! به نظرم این چالش جذابی است، حتی در زندگی، چون تکلیف چیزهای صددرصد خیالی و صددرصد واقعی معلوم است، ولی حرکت روی این مرز، برای من بسیار هیجان‌انگیزست.

آیا دنیای داستان و شخصیت‌های کتاب، از تجربه‌ها و خاطرات شخصی شما می‌آیند یا تخیلی‌اند؟

حتماً که یکی از منابع من برای نوشتن، خاطرات و تجربه‌های شخصی‌ام هستند، ولی نه به همان صورتی که اتفاق افتاده‌اند. چیزی که منبع الهام من می‌شود، حسی است که به آن خاطره و تجربه پیدا کرده‌ام. گاهی



سیدآ

SHEYDA.COM

پلتفرم پخش فیلم و سریال

دوشنبه‌ها از پلتفرم سیدآ